

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۵۶-۱۳۳

## علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه رامایانا بازسروده ملامسیح پانی‌پتی

فیروزه ملک‌پور\* - دکتر مهدی نوریان\*\*

### چکیده

شاعران فارسی‌زبان در شبه‌قاره هند نیز همانند ایران، آثاری گران‌سنگ و پرمحتوا از خود بر جای گذاشته‌اند. یکی از این آثار ارزشمند، منظومه حماسی *رامایانا* بازسروده ملامسیح پانی‌پتی است. این منظومه یکی از آثار نفیس متعلق به سده یازدهم هجری است که روایتگر عشق دو دل‌داده به نام‌های «رام» و «سیتا» است. این منظومه سرشار از عاطفه و صورخیال شاعرانه است؛ به همین سبب می‌توان آن را در ذیل منظومه‌های غنایی جای داد. در متون تاریخ ادبیات، *رامایانا* یکی از آثار حماسی هندوستان معرفی شده است؛ اما برخورداری از مضامین عاشقانه و نبود عناصر سازنده حماسه در این اثر سبب شده است که *رامایانای* ملامسیح تا حد تأمل برانگیزی از زمره آثار حماسی خارج شود. علاوه بر آن، مفاهیم و مضامین تعلیمی نیز در این اثر بسامد بالایی دارد و تاکنون پژوهشی به‌طور ویژه مضامین تعلیمی را در منظومه *رامایانای* ملامسیح پانی‌پتی بررسی

---

\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات غنایی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

malek\_ict@yahoo.com

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسؤول)

mehnounian@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۷/۳

نکرده است؛ از این رو نگارندگان این مقاله بر آن شدند تا در مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای و خوانش بیت‌به‌بیت اثر یادشده، ضمن تحلیل مضامین تعلیمی این منظومه، به چرایی بازتاب این قبیل مضامین در آن پردازند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در این منظومه، مضامین و معانی تعلیمی و حکمی فراوانی وجود دارد که شاعر آن‌ها را به اقتضای زمینه انفعالی و ذوقی به کار برده است.

## واژه‌های کلیدی

پارسی در هند، مضامین تعلیمی، منظومه رامایانا، ملامسیح پانی‌پتی

### ۱- مقدمه

منظومه رامایانا کهن‌ترین حماسه هندی است که والمیکی به زبان سانسکریت بین قرن سوم تا پنجم قبل از میلاد مسیح سروده است: «در دوره حماسی تاریخ هندوستان، در کنار ادبیات برهمنی که مخصوص برهمنان و عالمان دین ودایی بود، ادبیاتی، طی سال‌های ۶۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ میلادی توسط طبقه کشاتریا و جنگجو به وجود آمد که پاسخی علیه سختگیری‌ها و جمود فکری حاکم بر طبقه هندی بود و طبقه عامه که از دستورات و دها بی‌بهره بودند، از آن مستفیض گشتند. آثار این دوره عبارت‌اند از پورانها و حماسه مهابهاراتا و رامایانا» (جلالی نایینی، ۱۳۷۵: ۳۵). این اثر همچنین سروده مقدس هندوان به شمار می‌رود. به دلیل اهمیت بسیار رامایانا، شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان در دوره‌های بعد، آن را به فارسی برگردانده‌اند. رامایانا در نوع ادبی حماسه در دنیای ادبیات زبانزد است؛ اما درونمایه‌هایی مانند مسائل عرفانی به‌ویژه عرفان هندو، آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی، مضامین غنایی و... نیز در آن نمود بسیاری دارد.

### ۱-۱ بیان مسئله

همان‌طور که در ایران دیوان حافظ قداست خاصی دارد، در هندوستان هم رامایانا را مقدس می‌شمارند؛ از این رو شاعران و نویسندگان متأخر به طبع آزمایی در سرایش دوباره آن پرداخته‌اند. یکی از این بازسروده‌ها که به زبان فارسی است، متعلق به ملامسیح

پانی‌پتی است. از آنجاکه سراینده این اثر نتوانسته یا نخواست است که روح حماسه موجود در اصل اثر را بازآفرینی کند، جنبه‌های غنایی و تعلیمی آن بروز و نمود بیشتری یافته است. بررسی مضامین تعلیمی این اثر از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند روشن‌کننده شیوه نگرش پارسی‌گویان هند به ادب تعلیمی و همچنین، تلفیق ادبیات غنایی، تعلیمی و تا حدودی حماسی باشد و راهی برای پژوهشگران «قند پارسی در هند» در این شعبه از ادبیات هموار کند؛ همین امر بیانگر ضرورت پژوهش است.

### ۲-۱ معرفی اثر

یکی از آثار نفیس سده یازدهم هجری در شبه‌قاره هندوستان، منظومه حماسی *رامایانا* سروده ملامسیح سعدالله پانی‌پتی شاعر هندی پارسی‌گوی است. این منظومه روایتگر عشق دو دل‌داده به نام‌های «رام» و «سیتا» است. منظومه مذکور از آثار حماسی ادبیات هند است که به زبان پارسی سروده شده است. این منظومه سرشار از عاطفه و عناصر خیال‌انگیز شاعرانه است؛ از این رو می‌توان آن را در ذیل منظومه‌های غنایی جای داد. برخورداری از مضامین عاشقانه و نبود عناصر سازنده حماسه در این اثر سبب شده است که تا حد تأمل برانگیزی، این اثر از زمره آثار حماسی دور شود. سراینده در این اثر از مفاهیم و درون‌مایه‌های متنوع دیگری نیز بهره گرفته و به ترسیم و توصیف مسائل و حوادث گوناگون پرداخته است.

ملامسیح در این اثر از مفاهیم عرفانی، غنایی، اجتماعی، اخلاقی و اسطوره‌ای بهره گرفته و وسعت و تنوع این مفاهیم بیانگر نگرش و تسلط گسترده شاعر بر مسائل مختلف است. شاعر در خلال بیان جدال میان نیروهای خیر و شر در عرصه زندگی، این درون‌مایه‌ها را به صورت غیرمستقیم بیان کرده است. منظومه *رامایانا* سرشار از مضامین اخلاقی و تعلیمی است و شاعر هرکجا مجال یافته به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم و با بهره‌گیری از شگردهای مختلف بیانی، به پند و موعظه مخاطب پرداخته و کوشیده است تا زمینه را برای تعالی و کمال مخاطبان خود فراهم کند.

در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای شیوه کتابخانه‌ای و روش سندکاوی انجام شده است، نگارندگان بر آن شدند تا ضمن بررسی مضامین تعلیمی

منظومه *رامایانا*، شگردهای بیانی سراینده و شیوه تأثیرگذاری آن در ذهن و ضمیر مخاطب را بررسی کنند.

### ۳-۱ ملامسیح پانی پتی کیست؟

ملا شیخ سعدالله متخلص به مسیح، از سرایندگان سده یازدهم هجری است. «وی در کی رانه پانی پت متولد شد و ازاین رو به نام پانی پت معروف گردید. مسیح مدت دوازده سال از عمر خود را به مطالعه در ادبیات سانسکریت در بنارس گذراند. از میان شعرای معاصر، شیدا نزدیک ترین دوست وی بوده است. به علاوه صائب نیز با وی روابط دوستانه‌ای داشته است» (عابدی، ۱۳۴۳: ۳۳۸-۳۳۹). ملامسیح از دوستداران و ارادتمندان پیامبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت بوده است و اشارات متعدد وی به کلمات و تلمیحات قرآنی، دلیل روشنی بر این ادعاست (همان: ۳۴۲). ابیات زیر در نعت پیامبر اکرم (ص) از آن جمله است:

جهان رحمت از یزدان مجسم	مهین پیغمبری از نسل آدم
دو عالم جرعه‌ای از درد جامش	معمای خرد نازان به نامش
فقیری پشت پا بر تاج شاهی	یتیمی نازپرورد الهی

(پانی پتی، ۲۰۰۹: ۴۰)

ملامسیح در روزگار جهانگیر و شاه جهان می‌زیست؛ اما به دربار شاهان چندان رفت و آمدی نداشت (همان: ۲۵). سراینده با شیدا مراد داشته است؛ چنان‌که صاحب کتاب *کلمات شعرا* به این موضوع اشاره کرده و درباره وی می‌گوید: شاعر غرا، هم صحبت شیدا بود و با هم اتحاد و یگانگی بسیار داشتند (سرخوش، ۱۳۹۰: ۱۷۶). تسلط درخور توجه وی بر مبانی اعتقادی دین اسلام، آداب، سنن، باورها و اعتقادات مسلمانان، منظومه بازسوده او را جلوه‌ای خاص بخشیده است. غنای عناصر شعری و عاطفه در این منظومه و همچنین بسامد بالای مضامین عاشقانه در آن، منظومه *رامایانا* را از جرگه آثار حماسی صرف دور کرده است؛ به طوری که می‌توان آن را جزو آثار حماسی - غنایی قرار داد.

### ۴-۱ پیشینه پژوهش

منظومه *رامایانا* بازسوده ملامسیح پانی پتی یکی از آثار ارزشمند زبان پارسی است؛ اما آن چنان‌که باید به آن توجه نشده است و از دید اهل ادب به دور مانده است.

بررسی‌ها بیانگر این است که تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که به‌طور ویژه به بررسی مضامین تعلیمی در منظومه *رامایانا* بازسروده ملامسیح پانی پتی پردازد؛ در نتیجه پژوهش حاضر در نوع خود نخستین گام به شمار می‌رود.

ازسویی تاکنون پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که جنبه‌های تعلیمی آثار ادبی پارسی را بررسی کرده است؛ در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) سهیلا لویمی (۱۴۰۱)، «بررسی محتوایی و سبکی کهن‌ترین حماسه عاشقانه هند (رامایانا) براساس ترجمه منظوم ملامسیح پانی پتی»، *ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی* (بهار ادب)، سال ۱۵، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱، شماره پی‌درپی ۷۳.

۲) پریسا سلطانی و همکاران (۱۳۹۶)، «جلوه‌های عرفان نظری در حماسه‌های منظوم فارسی رامایانا»، *فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۱-۱۱۲.

۳) کایته، چندرمن (۱۳۹۲)، *رامایانا با عنوان نرگستان، تصحیح، مقدمه و تعلیق محمدکاظم کهدویی، قم: مجمع ذخائر اسلامی.*

## ۲- علل و انگیزه‌های بازتاب مضامین تعلیمی در ادبیات غنایی

ادبیات پارسی از دیرباز با تعلیم و تربیت همگام شده است و شاعران و نویسندگان کوشیده‌اند ضمن بیان سخنان نغز خود با پند و موعظه، لایه‌های مختلف ذهن بشر را درنوردند و روح آدمی را صیقل و صفا بخشند؛ به‌طوری‌که در طول تاریخ، این دو مقوله چنان با هم عجین شده‌اند که بازشناسی و بازآرایی آن‌ها از یکدیگر ناممکن است. ادیبان رسالت اصلی خود را که ارتقای معنوی و تربیتی انسان است، نادیده نگرفته و ضمن ایجاد التذاذ ادبی، زمینه رشد اخلاقی و معنوی مخاطب را نیز فراهم آورده‌اند؛ ازاین‌رو گاه به خلق آثاری پرداخته‌اند که به‌صورت مستقل به آموزش و تربیت انسان‌ها می‌پردازد و گاه با توجه به ماهیت ناخوشایند پند و اندرز کوشیده‌اند تا به‌صورت غیرمستقیم و در لفافه مخاطب را موعظه، و فضایل و رذایل اخلاقی را به وی گوشزد کنند و به تهذیب روحیه مخاطب پردازند.

داستان‌ها یکی از ابزارهایی است که علاوه بر آنکه مجال هنرنمایی را برای شاعران و نویسندگان فراهم می‌کند، چنان قدرتی دارد که بر لایه‌های بی‌شماری از وجود افراد تأثیر می‌گذارد و خاطره‌ای از یادرفته را بیدار می‌کند؛ نگاهی دیگر و دریافتی دیگر برمی‌انگیزد و سرانجام محمل انرژی آفرینشگر می‌شود. این داستان‌ها این سحر و جادو را دارند که امکان گفتن و شنیدن بیان‌ناپذیر را هم زمان فراهم می‌کنند و به سبب جذابیت، کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند، می‌توانند بسیاری از مفاهیم را به روش غیرمستقیم منتقل کنند و علاوه بر جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم، درک و فهم آن را عینی‌تر و ساده‌تر کنند؛ در پایان منجر به ترسیم الگوهایی برای سرمشق‌گیری و تبعیت از گفتار و رفتار می‌شوند (بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۴)؛ به عبارت دیگر مخاطب با خواندن داستان بین خود و قهرمان داستان یک نوع رابطه ایجاد می‌کند و از این رابطه، احساس امنیت و آرامش به دست می‌آورد؛ بنابراین اعمال و رفتارهای قهرمانان داستان را در ژرفای ذهن خود می‌پذیرد و این اعمال را شایسته به‌کارگیری در رفتار و حرکات خود تلقی می‌کند؛ از این رو می‌توان داستان‌گویی را از مهم‌ترین روش‌های غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم به شمار آورد (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶: ۲۳).

داستان *رامایانا* از جمله منظومه‌های چندبُعدی زبان فارسی است که ملامسیح پانی پتی به بازسرایش این اثر پرداخته و در حین داستان، حکایت و... طیف گسترده‌ای از حکمت‌ها و اندرزها و آموزه‌های اخلاقی را فرا روی مخاطب قرار داده است. سراینده این منظومه از هوش بسیاری برخوردار بوده که هرکجا مجال یافته است به تعلیم و تربیت مخاطب پرداخته و به تناسب اقتضای داستان از شگردهای متنوع برای اثرگذاری بهتر در ذهن و ضمیر مخاطب بهره جسته است. به طوری که مخاطب را در روند داستان درگیر کرده است و خواننده داستان ناخودآگاه به همسان‌سازی شخصیت خود با قهرمانان داستان می‌پردازد.

سراینده در منظومه *رامایانا* جلوه‌های گوناگونی از ادبیات تعلیمی مرتبط با مسائل تربیتی را به کار برده است؛ در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

## ۱-۲ ترغیب و تشویق

انسان‌ها همواره برای رفع نیازهای مختلف خود به تعامل با هم‌نوعان خود می‌پردازند و برای رسیدن به اهداف خود به دنبال تأثیرگذاری بر ذهن و ضمیر یکدیگرند. ترغیب و تشویق مهم‌ترین نقش را در این ارتباط و تأثیرگذاری آن‌ها بر عهده دارد؛ زیرا بسیاری از تعاملات انسان‌ها به این دلیل صورت می‌گیرد که دیگران را به تغییر گرایش‌ها و شیوه رفتار ترغیب کند و در صورتی که این کنش به خوبی انجام گیرد، شخص نه تنها آن را می‌پذیرد، به آن عمل هم می‌کند (میلر، ۱۳۶۸: ۲۳۸).

ترغیب و تشویق از مهم‌ترین انگیزه‌هایی است که سراینده منظومه‌های غنایی - حماسی را بر آن داشته است تا در اثنای سرایش این نوع آثار، به بیان مفاهیم و آموزه‌های تعلیمی بپردازد.

ملاسیح پانی‌پتی نیز اهمیت ترغیب را در تعلیم آموزه‌های اخلاقی به خوبی دریافته است و از این رو در منظومه خود از آن بهره گرفته است. وی گاه به صورت ایجابی و گاه به صورت سلبی به ترغیب مخاطب خود می‌پردازد. بدین معنی که گوینده گاهی با بشارت، تشویق، امیدواری و... مخاطب خود را به انجام کاری رهنمون می‌کند و گاهی با بهره‌گیری از شگرد تحذیر، توبیخ، بیم، ملامت و... وی را از انجام دادن رفتاری برحذر می‌دارد. میزان اثرگذاری هریک از این روش‌ها به فراخور اقتضای حال مخاطب متفاوت است.

## ۱-۱-۲ خردورزی

خردورزی یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی است که در آثار بزرگ ادبی همواره بر آن تأکید شده است. در شاهنامه فردوسی، خرد یکی از ارکان اساسی جهان خلقت و حیات انسانی به شمار می‌آید؛ چنان‌که در ابتدای این اثر حماسی می‌گوید:

به نام خداوند جان و خرد      کزین برتر اندیشه برنگذرد

خرد رهنمای و خرد دلگشای      خرد دست گیرد به هر دو سرای

(فردوسی، ۱۳۷۹: ۱۲)

یا در جای دیگر می‌گوید:

خرد مرد را خلعت ایزدی است      سزاوار خلعت نگه کن که کیست

(همان: ۱۳۹)

در منظومه رامایانا نیز سراینده ضمن برشمردن ارزش خرد، آن را ویژگی انسان های دانا می داند و معتقد است که انسان خردمند افکار خود را با امید و روشنی بیان می کند و همین عقل و خرد سرانجام، وی را به مسیر سعادت رهنمون می شود.

دل دانا که دُرّ عقل سفته است      ز یک دم صد هزار امید گفته است  
(پانی پتی، ۲۰۰۹: ۲۳۰)

وی همچنین در این منظومه زاهد و پیر را افراد برجسته ای معرفی می کند که در پرتو عقل و خرد خویش می توانند امور را سامان دهند.

هنون چون آشنا با ماه کم بود      به دانایی خرد را کار فرمود  
(همان: ۱۷۶)

سراینده در این اثر به صورت مستقیم و غیرمستقیم مخاطب خود را به خردورزی و بهره گیری از عقل و همچنین معاشرت با دانایان تشویق می کند و بیان می دارد که راه صحیح زندگی پیروی از عقل و منطق و مُجالست با افراد بخرد است.

## ۲-۱-۲ توصیه به دانش اندوزی

یکی از ارزشمندترین اوصاف کمال انسانی، علم اندوزی است که همواره در دین اسلام و متون گران سنگ ادبی به آن توصیه شده است. شاهنامه فردوسی که یکی از متون فارسی مشابه رامایانا به شمار می آید، کسب علم و دانش را مایه سرافرازی، بلندپایگی و ایمنی از شر و گزند می داند:

به دانش گرای و بدو شو بلند      چو خواهی که از بد نیابی گزند  
ز نادان، بنالد دل سنگ و کوه      آزیرا ندارد بر کس شکوه  
(فردوسی، ۱۳۷۹: ۱۲)

ملاسیح در منظومه خود ضمن برشمردن محاسن روی آوردن به علم و دانش، به طور غیرمستقیم و در خلال داستان های خود به تحریض و تشویق مخاطبان می پردازد تا در این مسیر گام بردارند.

در منظومه رامایانا، رام فردی آگاه است که در پی فراگیری علم و دانش بوده و شاعر در بیانی اغراق آمیز عطارد (دبیر فلک) را در حسرت علم و دانش وی توصیف کرده است:



به مکتب رفت علم و دانش آموخت عطار را ز رشک خامه دل سوخت

(پانی پتی، ۲۰۰۹: ۶۱)

ملاسیح با فخر به دانش و آگاهی خود، آن را دلیلی بر نیک‌بختی خود دانسته و گفته است:

به دانش نازم از طالع به جانم به جان ارزان ولی قیمت گرانم

(همان: ۴۹)

یکی از نشانه‌های اهمیت به فرزندان، توجه به دانش و تعلیم و تربیت آن‌ها بوده است که فرزندان جسرت نیز از این قضیه برکنار نبودند و اطرافیان درصدد بودند تا زمینه را برای دانش و آگاهی آن‌ها فراهم کنند:

که آمد خال برت، از ملک پنجاب به جسرت گفت کای رای ظفریاب

به من بسپار خواهرزاده من که در پنجاب استادان پرفرن

به جان تعلیم علم و دانش و دین کنند آن‌سان که گوید خلق تحسین

(همان: ۶۰)

## ۲-۱-۳ توبه

واژه توبه یک واژه قرآنی و به معنای بازگشت است. در قرآن آمده است: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» (مائده: ۳۹) هرکسی توبه کند پس از گناه و نیکوکار شود خداوند سوی او بازمی‌گردد. خداوند متعال در قرآن کریم توبه را راه رستگاری و نجات انسان‌ها معرفی می‌کند: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱)؛ و ای مؤمنان، همگی به خدا بازگردید تا رستگار شوید.

سراینده منظومه *رامایانا* نیز به اهمیت توبه آگاه بوده است. او بارها مخاطبان خود را به بازگشت از گناه و توبه فرامی‌خواند و به آن‌ها گوشزد می‌کند که توبه سبب سعادت زندگی دنیوی و اخروی آن‌ها می‌شود. پانی پتی در اثر یادشده مخاطب خود را ترغیب می‌کند که با توبه خود را از غرق‌شدن در دام هوا و هوس برهاند.

ز بریدن به توبه گر کنی دیر بشویایی به آتش هم‌چو شمشیر

(همان: ۱۲۶)

توبه در تفکر ملامسیح می تواند بار گناهان را از وجود آدمی بردارد و او را به سمت تعالی سوق دهد:

سراپا گرچه گشتستی گنهکار      به عذر توبه شو خود را نگه‌دار  
(همان: ۱۸۵)

شاعر در ابیات زیر بیان می‌دارد که توبه می‌تواند آدمی را از غرق شدن در دام باده و مستی نجات دهد و از راه ظلمت بازدارد:

زیاده گشته‌ای بدمست و بد رأی      بکن ترک می‌ای خودبین خودرأی  
مگر عقلت به‌جا آید دگر بار      به توبه برگرای زین چنین کار  
(همان: ۲۳۴)

## ۲-۱-۴ همت و کوشش

انسان در سایه همت والا می‌تواند به آمال و اهداف خود دست یابد. در زبان فارسی همت و اراده جایگاهی خاص دارد و شاعران و نویسندگان در آثار خود به آن توجه کرده‌اند:

پر و بال است همت انسان      مرد بی‌همت است چون حیوان  
(سلطان ولد، ۱۳۷۶: ۲۷۰)

قدر همت باشد آن جهد و دعا      لیس لانسنان الا ماسعی  
واهب همت خداوند است و بس      همت شاهی ندارد هیچ خس  
(مولوی، ۱۳۷۹: ۲۹۱۱)

سراینده منظومه *رامایانا* نیز برای همت ارزش و اهمیت بسیاری قائل است و معتقد است که انسان با وجود داشتن همت بلند و یاری حق می‌تواند بر سخت‌ترین امور مسلط شود؛ از این‌رو مخاطب خود را ترغیب می‌کند تا همتی والا داشته باشد و در پرتوی همت بلند خود، امور ناممکن را ممکن کند.

اگر در دامن همت زنی چنگ      که آری بر زمین از آسمان گنگ  
(همان: ۷۰)

همت سبب می‌شود تا آدمی در انجام امور جسور شود و بتواند برای رسیدن به هدف از تمام وجودش مایه بگذارد:

چو همت شو درین کارم مددگار      که همت کرد بر من واجب این کار  
(همان: ۵۸)

## ۲-۱-۵ صداقت و راستی

از ویژگی‌های برتر انسانی، مقوله راستی و صداقت است که باعث نیکبختی فرد می‌شود و هرکس به این زینت آراسته شود، در نزد خلق نیز محترم است. صداقت و راستی در شاهنامه در برابر کژی و ناراستی به کار رفته است که حکیم توس در جاهای بسیاری، راستی را می‌ستاید و کژی و ناراستی را نکوهش می‌کند:

به گیتی به از راستی پیشه نیست      ز کژی بتر هیچ اندیشه نیست  
(فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۸۵)

سر مایه مردمی راستی است      ز تاری و کژی بیاید گریست  
(همان، ج ۶: ۳۸)

پانی پتی اهمیت بسیاری برای صداقت قائل است و ضمن اشاره به صداقت، داشتن قهرمانان منظومه از جمله پیر و مراد خود و برت برادر رام و سیتا، به‌طور غیرمستقیم توجه مخاطب خود را به سمت این خصلت انسانی معطوف داشته است و وی را به داشتن صداقت ترغیب می‌کند.

سراینده در برشمردن اوصاف نیک پیر خود، وی را فردی صادق و راستگو معرفی کرده و معتقد است که صدق وی سبب صفای جسم و جانش شده است:

زده دست صفا در دامن صدق      صفا را جسم و جان اندر تن صدق  
(همان: ۴۶)

صدق نیت و درستکاری برت، برادر رام، نیز سبب می‌شود تا دیگران وی را به دلیل این خصلت نیکو بستانند:

به دل‌ها زین سخن افزود حیرت      که احسنت ای برت بر صدق نیت  
(همان: ۹۷)

شاعر دعای سیتا را به دلیل صداقت و نیت پاکی که داشته، روا دانسته و گفته است:  
همین گفت و دعا را دست برداشت      ز صدق دل دعای او اثر داشت

(همان: ۲۷۱)

## ۲-۲ تحذیر و بیم

تحذیر مصدر باب تفعیل از ماده حذر و در لغت به معنای بیم‌دادن و برحذر داشتن است (المصباح، ۱۴۳۰ ق: ۱۰۳). شاعر در منظومه *رامایانا* در ضمن تبیین مضامین اخلاقی، به برخی از رذایل اخلاقی نیز اشاره می‌کند و مخاطب خود را از پرداختن به آن ویژگی‌های اخلاقی برحذر می‌دارد.

### ۱-۲-۲ دل‌بستگی نداشتن به دنیا

در مشرب عرفانی و دینی، تعلق به دنیا و مظاهر، امری نکوهیده است و آیات و روایات متعددی وجود دارد که دنیا و مافیها را بازیچه معرفی کرده است و انسان را از دل‌بستگی به آن بر حذر می‌دارد: «و ما الحیاة الدنیا الا لعب و لهو»؛ زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست (انعام: ۳۲). در جای دیگر می‌فرماید: «اعلموا انما الحیاة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد»؛ بدانید زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است (حدید: ۲۰).

در منظومه *رامایانا* نیز شاعر دنیا را شایسته دل‌بستگی و تعلق نمی‌داند و با ویرانه و سرای فانی خواندن آن می‌کوشد تا مخاطب را از وابستگی به آن بازدارد و او را متوجه جهانی ابدی کند:

خراب‌آباد گیتی کم‌خراج است	درین جا نقد هستی بی‌رواج است
ازین ویرانه بی‌گنج پر مار	برو چون شیر مردان جان‌نگهدار
دو ساغر دارد این نیلی خم‌دون	یکی پر زهر و آن دیگر پر از خون
ز بزم و دور آن پرهیز باید	که جام زهر و خون خوردن نشاید

(همان: ۹۶)

### ۲-۲-۲ بدعهدی

یکی دیگر از رذایل اخلاقی که در این منظومه به آن توجه شده، نکوهش بدعهدی و پیمان‌شکنی است. خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره مبارکه بقره به صراحت تذکر داده است که «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي

الأَرْضِ أَوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ کسانی که عهد خدا را پس از محکم‌بستن می‌شکنند و رشته‌ای را که خدا امر به پیوند آن کرده، می‌گسلند و در میان اهل زمین فساد می‌کنند، ایشان به حقیقت زیانکارند».

در این منظومه نیز شاعر به تأسی از آموزه‌های اسلام و قرآن کریم، از پیمان‌شکنان بیزار است و معاشرت و مجالست با آن‌ها را شایستهٔ انسان نمی‌داند:

که بدعهدی به عشق ما می‌اویز      ز بدعهدان نشاید غیر پرهیز  
(همان: ۸۹)

سراینده پیمان‌شکنی را عملی نابخشودنی می‌داند؛ تاجایی که معتقد است باید بدترین مجازات‌ها را برای بدعهدان در نظر گرفت.

یقین دان بی‌وفا را کشته باید      بینم تا چه دیگر پیشم آید  
(همان: ۱۶۰)

## ۲-۲-۳ حرص و طمع

حرص و طمع از جمله ویژگی‌های اخلاقی نکوهیده است که در دین اسلام به دوری جستن از آن تأکید شده است. در شاهنامهٔ فردوسی نیز از حرص با عنوان آز نام برده شده است. در ایران کهن آز را دیوی ستمکاره می‌شناخته‌اند. شاعر از زبان بوذرجمهر می‌گوید:

چنین داد پاسخ به کسری که آز      ستمکاره دیوی بود دیرساز  
که او را نبینند خشنود ایچ      همه در فزونیش باشد بسیج  
(فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۹۶)

ملامسیح پانی پتی نیز از این ویژگی ناپسند بیزار است؛ در ضمن داستان رامایا در ماجرای دزدیدن سینا، حرص و طمع را ویژگی منفور راون می‌داند که برای برآورده‌شدن اغراض ناپسندش و با تکیه بر طمعی وافر، به این عمل شنیع دست زده است؛ زنان فراوان در دربار نیز حرص وی را فروکش نکرده و موجبات ناراحتی زاهد را فراهم آورده است:

تو را چندین بتان اندر شبستان      چه حرص است این؟ چه حرص است ای پیر نادان

که آوردی به دزدی دلبر رام      ندانستی که دارد دانه‌اش دام  
 به چندین زن چرا نشکبیی آخر؟      زن معصومه را بفریسی آخر  
 شدی زین حرص نام آور به زشتی      کنون بدرود هر تخمی که کشتی  
 (همان: ۱۹۴)

### ۲-۲-۴ غرور

عجب و غرور از جمله رذایل اخلاقی است که زمینه سقوط از قله انسانیت است. در قرآن کریم آیات بسیاری در نکوهش غرور وجود دارد: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸) و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد. در شاهنامه نیز غرور بسیار نکوهیده شده است و پادشاهان مانند جمشید و کیکاوس به خاطر این رذیلت اخلاقی مذموم واقع شده‌اند:

چنین گفت با سالخورده مهان      که جز خویشتن را ندانم جهان  
 هنر در جهان از من آمد پدید      چو من نامور تخت شاهی ندید  
 (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۳)

پانی پتی نیز از غرور تبری جسته است و مخاطب خود را از مغرور شدن نسبت به الطاف خداوندی باز می‌دارد:

مسیحا رو زبان زین نغمه بر بند      مشو مغرور ز الطاف خداوند  
 (همان: ۳۷)

شاعر همچنین در توصیف شخصیت راون، وی را فردی مغرور و ستمکار نامیده که با آزار و اذیت سیتا وی را با خود همراه کرده است و می‌دزدد:

غرض چون راون مغرور بد مست      ستم را زد به موی آن پری دست  
 به گردون برکشید آن ماه را باز      شد آن گردون چو تخت جم به پرواز  
 (همان: ۱۲۶)

### ۲-۳ تذکار و یادآوری

تذکار و یادآوری یکی دیگر از روش‌های تربیتی و تعلیمی است. در تربیت اسلامی تذکر، روشی نیکو در توجه دادن انسان به حقیقت وجود و سیردادن او در صراط هدایت

و اطاعت و عبودیت و دورکردن وی از پستی و کجی و پلیدی‌هاست (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۸۳). پانی‌پتی به اهمیت تذکار در تعلیم آموزه‌های اخلاقی کاملاً واقف بوده است و از این‌رو بسیار، مضامین اخلاقی را در خلال ابیات خود به کار برده است و دوری از رذایل اخلاقی و کسب فضایل اخلاقی را به مخاطب گوشزد می‌کند.

### ۲-۳-۱ یادآوری صفات حق

سراینده در منظومه *رامایانا* با یادآوری صفات حضرت حق و به‌ویژه قدرت مطلق او، عقل و فطرت مخاطب خود را برمی‌انگیزد تا در برابر عظمت و رحمت خدای بی‌همتا، سر تعظیم فرود آورد و تنها در برابر ذات اقدس حق تسلیم شود که تربیت با همین امر سامان می‌یابد.

ملاسیح در این ابیات با بیان صفات ثبوتی خداوند از جمله علم، قدرت، رازق بودن، خالق بودن و... شکوه معبود را بیان می‌کند. وی قدرت و توانایی خداوند را در خلق آفریده‌هایش به تصویر کشیده و اعتقاد دارد که در پس تمام پدیده‌های هستی این جهان، وجود آگاه، کامل و نامتناهی خداوند وجود دارد که بر همه‌جا متجلی است و نیرویی برتر از وی وجود ندارد:

شکار قدرتش دان کز هوایی	به دام عنکبوت افتد همایی
رخ گل کرد بی‌گلگونه گلرنگ	قبای لاله پر خون ساز بی‌جنگ
کشیده سرمه چشم آهوان را	خبر نی میل را نی سرمه‌دان را
چو در صورتگری صنعت پرداخت	ز آب و خون چمن‌زار ارم ساخت
زبان را داد ذوق جان‌فشانی	که شد لب‌ریز آب زندگانی
ز مادر وز پدر صد چند دلسوز	نوشسته وی برات رزق امروز
کریمی شیوه خواهش گزیده	کند بخشش ره خواهش ندیده

(پانی‌پتی، ۲۰۰۹: ۳۸)

سراینده همچنین یادآور می‌شود که قدرت لایتناهی حضرت حق همواره در همه امور جاری است؛ از این‌رو ناامیدی و یأس در کارها را جایز نمی‌داند.

مسیح از ناامیدی چند افسوس	خدا داری چه غم داری بزن کوس
---------------------------	-----------------------------

(همان: ۳۵)

## ۲-۳-۲ آیین سخن گفتن

انسان موجودی اجتماعی است که نیازمند برقراری ارتباط و به تبع آن سخن گفتن با دیگران است. بر همین اساس سخن ارزش و اهمیت خاصی دارد که ملامسیح نیز به آن توجه داشته است. وی ضمن اینکه معتقد است سخن می تواند شرف و منزلت انسان را ارتقا دهد، به مخاطب خود یادآوری می کند که سخن خاصیتی چندگانه دارد و می تواند هم مایه دشمنی و هم دوستی شود؛ زیرا آدمی با بیان سخن در زمان لازم می تواند مفهوم سخن را نشان دهد. سخن در نگاه ملامسیح نشانی از وصل و فصل است و در آن معانی فراوانی نهفته است:

سخن را دوست دارد دشمن و دوست	که تخم دوستی و دشمنی اوست
نماید رنگ خشم و مهربانی	به دست اوست مرگ و زندگانی
گهی گوید پیام آشنایی	گه از صد تیغ نپذیرد جدایی
سخن بس شاخ طوبی وار دارد	که هر شاخ هزاران بار دارد

(همان: ۵۰)

## ۲-۴ تمثیل و حکایت به قصد تبیین و القای مضامین

یکی از اغراض کاربرست مضامین تعلیمی در منظومه های غنایی - حماسی، تبیین و القای هرچه بهتر مفاهیم اخلاقی در ذهن و ضمیر مخاطب است. سرایندهگان با بهره گیری از تمثیل و حکایت می کوشند تا محملی برای بیان اندیشه های اخلاقی و اجتماعی خود فراهم کنند؛ زیرا تمثیل و حکایت، مفاهیم ذهنی و انتزاعی را به صورت محسوس و عینی نشان می دهد و در مخاطب تأثیری شگرف می گذارد.

در منظومه *رامایانا*، سراینده به کرات از تمثیل و حکایت برای القای مضامین اخلاقی بهره گرفته است که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

## ۲-۴-۱ عزلت گزینی

عزلت گزینی و دوری از خلق، یکی از خصایص اخلاقی عرفاست که از خلق و دلبستگی های دنیوی جدا می شوند و می کوشند تا ناپاکی ها را از وجود خود پاک کنند. سراینده برای تبیین عزلت گزینی و اثرات آن، به نقل حکایت زاهدی به نام بالمیک



می‌پردازد که با عزلت‌گزینی به دعا و نیایش با خداوند مشغول است و به سبب این عبادت و سلوک، وجودش از همه ناپاکی‌ها مبرا شده و در ریاضت و خلوت به سمت کمال گام برداشته است:

یکی زاهد در آن جا داشت مأوا	در آن قاف قناعت کرد عتقا
به حق مشغول مرد عزلت آهنگ	چو صندل سود پیشانی به هر سنگ
وجود پاکش از طاعت سرشته	عبادت وقت او هم چون فرشته
ریاضت بود کارش صبح تا شام	خجسته بالمیک زاهدش نام

(همان: ۲۵۸)

## ۲-۴-۲ مردم‌داری و رعیت‌نوازی

یکی از وظایف اصلی حاکمان و فرمانروایان همه جوامع، رسیدگی به امور مردم و صیانت از جان و مال آن‌هاست. پانی‌پتی از این مهم غافل نشده است و در ضمن منظومه خود متذکر می‌شود که حاکمان باید از جان و مال و... مردم صیانت کنند و مردم با اعتماد به حاکم و سپردن امور خود به دست وی، خود را از بلاها و آسیب‌ها محفوظ دارند. سراینده برای تأثیرگذاری بهتر کلام خود در ضمیر مخاطب از تمثیل بهره جسته است و پادشاهان را شبان و رعیت را گوسفندان وی دانسته است که باید به حفظ و حراست آن‌ها بپردازند.

تو چون فرماندهی فریاد ما رس	که این بار است بر فرمانده و بس
رعایا گوسفندان، شه شبان است	ز گرگ فتنه‌شان را پاسبان است

(پانی‌پتی، ۲۰۰۹: ۶۲)

شاعر همچنین رام را پادشاهی معرفی می‌کند که حقوق و احترام مردم را نگه می‌دارد و با بهترین شیوه ممکن با آن‌ها رفتار می‌کند:

رعایا را چنان می‌داشت خرسند	که مادر بر ندارد ناز فرزند
-----------------------------	----------------------------

(همان: ۲۴۹)

## ۲-۵ تأکید

تأکید یکی از شگردهایی است که شاعران و نویسندگان برای نشان‌دادن اهمیت

آموزه‌های اخلاقی در ضمن آثار خود استفاده می‌کنند. ملامسیح نیز از تأثیرگذاری تأکید غافل نبوده و در تبیین برخی از مضامین اخلاقی از آن بهره گرفته است.

## ۲-۵-۱ مشورت و رایزنی با افراد خردمند

یکی از صفات پسندیده انسانی، مشورت با افراد آگاه و جهان‌دیده است که از عقل و خرد بهره‌ وافی و کافی داشته باشند. در منظومه *رامایانا* ملامسیح بارها در قالب رفتار و گفتار قهرمانان داستان بر اهمیت و ارزش مشورت و رایزنی تأکید می‌کند؛ برای نمونه: راجه جسرت از اینکه فرزند و ولیعهدی ندارد، سخت آشفته و غمگین است؛ از این رو با بزرگان و وزیران دربار رایزنی و مشورت می‌کند تا بتواند بهترین و درست‌ترین تصمیم را بگیرد.

شبی از دوربینی خلوت آراست	ز هریک اهل دانش مشورت خواست
برآمد از دل جسرت دم سرد	حساب عمر خود پیرانه سر کرد
که عمرم را شمار از صد فزون است	درین اندیشه جانم غرق خون است
ندارم هیچ فرزندی ولیعهد	که بعد از من کند ناموس را جهد
شما هریک نکو خواهید دانا	بگویند آنچه باید کرد ما را

(همان: ۵۷)

همچنین راجه جسرت با وزیران برای انتخاب رام در جایگاه جانشین خود مشورت‌خواهی می‌کند. با این امر قصد دارد تا نظر افراد دانا و آگاه را در این زمینه جویا شود و انتخاب خود را به صورت روشن و شفاف و همراه با آینده‌نگری انجام دهد:

چو جسرت در اود بنشست دلشاد	به جا آورد شکر حق ز اولاد
به خلوت مصلحت جست از وزیران	نهان پرسید کای روشن ضمیران
مرا عمر آخر آمد گشته‌ام پیر	صلاح دولت اکنون چیست تدبیر
ز دست پیر ناید کار شاهی	جوان خواه است فر کج کلاهی
چو رام من جوان و شیرمردست	ز دستش آنچه آمد کس نکردست
همان بهتر که بر تختش نشانم	به دست خود به تاجش زرفشانم

(همان: ۸۸)

## ۶-۲ نتیجه‌گیری از داستان و تنبه و عبرت

نتیجه‌گیری از داستان و تنبه و عبرت از آن، از اصلی‌ترین انگیزه‌های سراینده برای آوردن مضامین تعلیمی در منظومه *رامایانا* است. به عبارت دیگر این داستان، آینه‌ای است که می‌توان در آن عوامل پیروزی و شکست، کامیابی و ناکامی، خوشبختی و بدبختی، سربلندی و ذلت و خلاصه همه آنچه را دید که در زندگی انسان ارزشمند و یا بی‌ارزش است. البته همگی درس‌ها و عبرت‌هایی هستند که مخاطبان خردمند می‌توانند به آن‌ها دست یابند و آن‌ها را در زندگی خود به کار بندند. در داستان *رامایانا*، پانی پتی می‌کوشد تا خواننده از امری محسوس به معرفتی باطنی دست یابد تا بتواند آن عبرت را سرلوحه کار خود قرار دهد و به کمک آن در مسیر سعادت گام بردارد. سراینده در پایان حوادث و ماجراهای داستان، نتیجه‌گیری می‌کند و خواننده را به تنبه و عبرت گرفتن از آن‌ها فرامی‌خواند.

## ۶-۲-۱ ظلم‌ستیزی

مبارزه با ظلم و ستم در هر زمانی امری مهم و اساسی به شمار رفته است و شاعران نیز در سخنان خود ضرورت توجه به ظلم‌ستیزی را نشان داده‌اند. در منظومه *رامایانا* شاعر مخاطب خود را از ظلم و ستم به دیگران برحذر می‌دارد و عواقب سوء آن را که متوجه ظالم می‌شود، به وی گوشزد می‌کند که هرگاه فرد سبب آزار دیگران شود، نتیجه این تعدی به حقوق دیگران را خواهد دید.

زمانی که آدمی بدون دلیل از هر سمتی موجب ظلم قرار گیرد، این واقعه سبب خشم و غضب حکیمان می‌شود؛ زیرا آن‌ها تاب دیدن این ستم را نداشتند و خشمگین می‌شدند:

چو بی‌موجب ز کس آزار باشد      حکیمان را غضب بسیار باشد

(همان: ۶۸)

ظلم و ستم درنهایت، فرد ظالم را به عاقبتی دردناک می‌رساند و پایدار نمی‌ماند:

ز ظلم کفر ناحق برفتانند      درین عالم به دوزخ درفتانند

(همان: ۶۹)

راون، یکی از دشمنان رام، در این منظومه فردی بود که با ظلم و ستم بر دیگران زمینه را برای نابودی و شکست خود فراهم آورد:

ز ظلم آن خاندان خواهد برافتاد      بود مرگش به دست آدمیزاد  
زوال دولت او هست نزدیک      بفهم این نکته، کاین رمزی است باریک  
(همان: ۱۱۰)

### ۲-۶-۲ صبر

صبر یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های اخلاقی انسان‌هاست که اغلب نتایج مثبتی برای فرد به همراه دارد. شکیبایی در کارها در بسیاری از اوقات می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد. سراینده منظومه *رامایانا* ضمن اشاره به اهمیت و ارزش صبر در رسیدن به هدف و مقصود، آن را کلیدی برای بازکردن سخت‌ترین قفل‌ها و مشکلات دانسته و گفته است:

که ای لب‌تشنه آب از نیست موجود      توان از صبر پی بردن به مقصود  
مراد دل که گنج ناپدید است      یقین دان صبر قفلش را کلید است  
(همان: ۱۳۴)

هم‌چنین سگریو میمون به رام اطمینان می‌دهد که با صبر و تائی می‌تواند جایگاه سیتا را به دست آورد و نجات یابد:

اگر یک چند با صبر بود کار      توانم گشتن از حالش خبردار  
(همان: ۱۴۸)

### ۳-۶-۲ توکل بر خداوند در کارها

شاعر در سخنان زیر به مسئله توکل و اعتماد بر خداوند اشاره داشته و معتقد است که باید امور را به دست ایزد متعال سپرد و با همت والا، عمل خردمندانه و تکیه بر حضرت حق به نتیجه شایسته دست یافت؛ زیرا توکل سبب می‌شود که فرد اعتماد به نفس بهتری بیابد و با گام‌هایی استوار در مسیر خود قدم بردارد. ملامسیح نیز از اهمیت توکل کردن بر باری تعالی غافل نبوده است و در خلال منظومه *رامایانا* بارها اهمیت توکل و پیامدهای مثبت آن را در زمان رفتار قهرمانان داستان به‌خوبی نشان داده است؛ به‌طوری‌که

خواننده هنگامی که رفتار قهرمانان و شخصیت‌های داستان را می‌بیند و سرانجام نیکوی آن‌ها را مشاهده می‌کند، به همزادپنداری با قهرمانان داستان می‌پردازد و به‌طور ناخودآگاه تحت تأثیر رفتار آن‌ها قرار می‌گیرد. از آن جمله در ماجرای است که بسوامتر از نزد جسرت نام رام را می‌برد و زاهد از جسرت می‌خواهد که با توکل به خداوند، رام را به زاهد بسپارد و شک و تردید به دل راه ندهد:

کنون باید رضای او نگه داشت	جهان را از دعای او نگه داشت
به بدعهدی مشو در خلق بدنام	توکل کن بده همراه او رام
تو را چون نیت خیر است در پیش	شود خیر آخر کارت میندیش

(همان: ۶۲)

حتی قهرمانان و مبارزان در میدان نبرد نیز با توکل به خداوند پیش می‌روند و در کنار همتی که دارند می‌کوشند تا پیروز از میدان جنگ بیرون آیند:

نهادند از توکل خود بر سر	ز همت جوشن افکندند در بر
--------------------------	--------------------------

(همان: ۲۶۴)

ممدوح شاعر نیز فردی است که با در پیش گرفتن توکل و اتکا به پروردگار در کنار سعی و کوشش خود، در مسیر درستی و راستی گام برمی‌دارد:

قناعت زاد راه عصمت او	توکل خانه زاد همت او
-----------------------	----------------------

(همان: ۴۶)

ره جد و پدر را پیش کرده	توکل بر خدای خویش کرده
-------------------------	------------------------

(همان: ۷۲)

### ۳- نتیجه‌گیری

حماسه منظوم *رامایانا* از جمله آثار حماسی است که در آن، مفاهیم و درون‌مایه‌های متعددی گنجانده شده است. در واقع بهره‌گیری شاعر از مفاهیم عرفانی، غنایی، اجتماعی، اخلاقی و اسطوره‌ای سبب شده است تا این اثر علاوه بر بیان مفاهیم حماسی، در زمینه‌های دیگر نیز نظر مخاطب را به خود جلب کند و وقایع و پیشامدهای متنوع را بیان کند. ملامسیح در این اثر افزون بر توجه به عرفان هندو به عرفان اسلامی نیز توجه داشته

است. توجه به اخلاقیات و فضایل و رذایل اخلاقی از دیگر مفاهیمی است که ملامسیح در این منظومه بدان توجه کرده است. وی از فضایی همانند احسان و بخشش، همت و کوشش، مشورت، تواضع و فروتنی، صبر و صداقت و از رذایلی همانند نکوهش حسادت، بدعهدی و حرص و طمع سخن گفته است. او مفاهیم تعلیمی را به زبانی ساده و روشن بیان کرده است؛ به گونه‌ای که در معانی آن پیچیدگی و تکلف آن‌چنانی دیده نمی‌شود. در منظومه *رامایانا* سراینده از انواع روش‌های تربیتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از جمله ترغیب، تشویق، تحذیر، استدلال و... بهره گرفته است تا بتواند خصایل نیکو را در ذهن مخاطب نهادینه کند. یکی از شگردهایی که سراینده در بیان موعظه و اندرز به کار برده، این است که نکات تعلیمی و اندرزهای خود را در قالب داستان‌های غنایی با زبانی شیرین و صمیمی بیان کرده است که این روش می‌تواند بهترین محمل برای انعکاس مضامین اخلاقی باشد و از تلخی و گزندگی زبان موعظه تاحد زیادی بکاهد. در این داستان سراینده برای القای خصایل نیکو به مخاطب، زبان هنری و بلاغت ادبی را به خدمت گرفته است و با استفاده از آن به‌خوبی توانسته است، خواننده را با خود همراه کند.

## منابع

۱. احمد بن محمد (۴۳۰ ق.)، *المصباح المثیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. اسکندری، حسین؛ کیانی، ژاله (۱۳۸۶)، «تأثیر داستان بر افزایش مهارت»، *فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی*، دوره ۲، شماره ۷، ۲۰-۲۶.
۳. بختیاری، حسن (۱۳۹۰)، «آموزش دینی زنان برای تربیت فرزندان»، *فصلنامه پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۱۳، ۱۲-۱۵.
۴. بصیری، محمدصادق؛ امجدی، گلناز (۱۳۹۱)، «روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه دهقان*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۶۷-۹۶.

۵. پانی پتی، سعدالدوله مسیح (۲۰۰۹ م. / ۱۳۸۸)، رامایانا، به اهتمام سید عبدالحمید ضیایی و سید محمدیونس جعفری، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
۶. جلالی نایینی، سید محمدرضا (۱۳۵۷)، هند در یک نگاه، تهران: شیرازه.
۷. ثروت، منصور (۱۳۹۲)، گنجینه حکمت در آثار نظامی، تهران: نشر علمی.
۸. داد، سیما (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی)، تهران: مروارید.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.
۱۰. رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، انواع ادبی و آثار آن، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. سرخوش لاهوری، محمد افضل (۱۳۹۰)، کلمات الشعراء، تهران: مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد.
۱۲. سلطان ولد (۱۳۷۶)، ولدنامه، تصحیح جلال‌الدین یغمایی و به اهتمام ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: فردوس.
۱۴. عابدی، سید امیرحسین (۱۳۴۳)، «داستان رامایانا در ادبیات فارسی»، مهر، سال دهم، شماره ۳، ۳۳۸-۳۳۹.
۱۵. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، شاهنامه، متن انتقادی از روی چاپ مسکو (چهار مجلد)، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: قطره.
۱۶. مشتاق‌مهر، رحمان؛ بافکر، سردار (۱۳۹۴)، «شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، ادبیات تعلیمی دانشگاه دهقان، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱-۲۸.
۱۷. مشرف، مریم (۱۳۸۸)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.
۱۸. مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۹)، مثنوی معنوی، براساس نسخه رینولد نیکلسون، تهران: صدای معاصر.

۱۹. میلر، جرج آرمیتاژ (۱۳۶۸)، روان‌شناسی و ارتباط، ترجمه محمد رضا طالب‌نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲۰. یلمه‌ها، احمد رضا (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و منظوم و سیر تحول و تطور آن در ایران»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال هشتم، شماره ۲۹، ۶۱-۹۰.

۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، «علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی با تکیه بر منظومه نویافته نیاز و ناز»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، ۱-۲۸.